



این روزها خیلی از ناظران سیاسی معتقدند که نهاد مجلس در ایران قدم به قدم در حال ضعیف‌تر شدن است. علی‌مطهری هم با این نظر موافق است و می‌گوید هر چه تا الان پیش آمده‌ایم با مجلس ضعیف‌تری مواجه بوده‌ایم. او مادر گفت‌وگوبا «ایران» توضیح می‌دهد که این فقط مسأله مجلس نیست و بقیه نهادهای انتخابی را هم شامل می‌شود. نهادهایی که این نماینده مجلس می‌گوید مقابل پیشروی برخی نهادهای موازی مشغول رفتن به حاشیه هستند. محور گفت‌وگوی مطهری با روزنامه ایران مسائل مربوط به کارآمدی مجلس بود. چیزی که او نقدهای جدی به آن وارد می‌کند و معتقد است که باید دیر بازود این وضعیت را تغییر داد. از جمله نقدهای او موقعیت جدید مجمع تشخیص مصلحت نظام است که وارد بحث بررسی و تأیید مصوبات مجلس شده. مطهری از همان ابتدا از جمله جدی‌ترین منتقدان این روند بود. روندی که به زعم او باعث شده سیاست‌های کلی نظام در مواردی برسر قانون اساسی سایه بیندازند. مطهری این را اشتباه می‌داند و تأکید می‌کند که آنچه مردم به‌عنوان میثاق ملی به آن رأی داده‌اند قانون اساسی است نه سیاست‌های کلی نظام. او البته همین سیاست‌ها را هم در برخی حوزه‌ها متناقض با هم می‌داند و از همین رو معتقد است که اگر ملاک بررسی مصوبات مجلس این سیاست‌ها باشد، می‌توان تمام مصوبات مجلس را بر همین مبنار د کرد. او این پیشنهاد را هم می‌دهد که همین مجمع تشخیص به مجلس سنابدیل شود.

■ در ۱۱ سالی که شمارد مجلس حضور داشتید سیر نفوذ، تأثیرگذاری و اقدام منطقی مجلس از نظر ناتان چطور بوده و به کدام سمت رفته‌ایم؟ تغییرات نهاد مجلس از این حیث چطور بوده؟

در مجموع ما هر چه در دوره‌های مختلف مجلس جلوتر آمده‌ایم شاهد بوده‌ایم که مجلس ضعیف‌تر شده و این روند از دوره هشتم تا الان هم که من حضور داشتم وجود داشته. دلیلش به عوامل مختلفی بر می‌گردد. یکی از آنها همین نظارت استصوابی است که از ورود برخی افراد کارآمد و حر و آزاده جلوگیری می‌شود. دوم بررنگ شدن برخی نهادهای قانونگذاری در کشور است که به موازات مجلس دارند کار می‌کنند. بعضی شورا‌های عالی که وظیفه آنها سیاستگذاری است، اندک اندک وارد قانونگذاری شده‌اند که اصلاً ربطی به آنها ندارد. یعنی کاری که مجلس باید انجام بدهد آنها انجام می‌دهند و این غیرقانونی است و مجلس را محدود کرده است. سوم رویه نادرستی است که اخیراً باب شده که اعلام کرده‌اند مصوبات مجلس باید در مطابق با سیاست‌های کلی نظام باشد در مجمع تشخیص بررسی شود. این بدعتی است که اساساً خلاف قانون اساسی است. یعنی بعد از اینکه مجلس چیزی را تصویب کرد هیأتی از مجمع می‌آید مصوبه مجلس را از نظر انطباق با سیاست‌های کلی نظام بررسی می‌کند و نظر خود را به شورای نگهبان می‌فرستد و شورا هم بدون بررسی و اظهارنظر به مجلس می‌دهد و می‌گوید با اصل ۱۱۰ قانون اساسی مغایرت دارد. یعنی الان ما دو شورای نگهبان پیدا کرده‌ایم و آن را به آیین‌نامه داخلی مجمع تشخیص مستند می‌کنند در حالی که آیین‌نامه مجمع نمی‌تواند خلاف قانون اساسی باشد. این قانون اساسی فقط شورای نگهبان حق بررسی مصوبه مجلس را آن هم صرفاً از نظر انطباق با شرع و قانون اساسی دارد و ما نداریم که نهاد دیگر مصوبه مجلس را از یک نظر دیگر بررسی کند و نظر بدهد و حتی گاهی خودش آن را اصلاح کند. این کار نیاز به تغییر قانون اساسی دارد. فعلاً راه حل این قضیه یعنی اجرای سیاست های کلی این است که مجمع در هنگام بررسی یک لایحه یا طرح در مجلس حق دارد در کمیسیون مربوط یا حتی صحن مجلس از نظر انطباق آن لایحه یا طرح با سیاست های کلی اظهارنظر کند و تصمیم را نمایندگان می‌گیرند. چیزی که تصویب شد دیگر قابل بررسی توسط مجمع نیست و فقط شورای نگهبان از نظر انطباق با شرع و قانون اساسی بررسی می‌کند.

به هرحال این رویه به روشنی غیرقانونی است و باعث تضعیف مجلس شده و دست مجلس را بسته و در مقابل دست مجمع را باز گذاشته است که بتواند با هر مصوبه مجلس مخالفت کند و نظر خودشان را اعمال کنند چون هر مصوبه‌ای را براحتی می‌شود به بهانه یکی از همین سیاست‌ها رد کرد. مجلس در این قضیه باید محکم می‌ایستاد و اجازه این کارها را نمی‌داد اما این کار را نکرد و این رویه دارد تکرار می‌شود.

■ شما خودتان سه سال از همین دوره مجلس را در جایگاه نایب رئیس مجلس بودید که این جایگاه با خودش قدرت نفوذ و تأثیرگذاری بیشتری می‌آورد. وقتی می‌گویید مجلس نایستاد، به‌عنوان فردی که از مسائل مجلس اطلاع کامل داشتید دقیقاً منظور تان چیست؟ چه کسی یا کسانی نایستادند؟

در مجلس کسی که طبق آیین‌نامه داخلی بیشترین اختیارات را دارد رئیس مجلس است. من همین موضوع را در

مقدم داشتیم که ما می‌گفتیم و ایشان جواب می‌دادند و تمام حرف شان هم این است که چون آن آیین‌نامه به تأیید رهبری رسیده پس این رویه می‌تواند خلاف قانون اساسی باشد. به نظر من آیین‌نامه نباید خلاف قانون اساسی باشد. لذا اختلاف مبنایی داریم؛ لذا بحث‌ها به جایی نمی‌رسد و هر قدر بحث کنیم فایده ندارد. یک بار هم با آقای کدخدایی درباره اینکه مغایرت با سیاست‌های کلی به معنی مغایرت با قانون اساسی نیست و استناد شورای نگهبان به اصل ۱۱۰ در این مورد درست نیست بحث کردیم که به نظرم جواب قانع‌کننده‌ای نداشتند.

■ یعنی همان استدلال امثال آقای مصباحی مقدم را داشتند؟

تقریباً استدلال‌ها یکی است. اگر نپذیرند لااقل ما حرف خودمان را گفته‌ایم. البته

اگر اصرار بر این رویه باشد می‌توانیم قانون اساسی را اصلاح کنیم و از این طریق حتی مجمع تشخیص تبدیل به مجلس سنا شود تا کارهایی که الان انجام می‌دهد و مثلاً مصوبه مجلس را اصلاح می‌کند قانونی شود.

■ شما گفتید هر چه جلو آمدیم اعتبار و کارآمدی مجلس کاهش پیدا کرده. می‌شود توضیح دهید که مصادیق و نمونه‌های کاهش کارآمدی مجلس چیست؟ این وضعیت کجا خودش را نشان می‌دهد؟

باید بر گردیم به همان عوامل سه‌گانه‌ای که اول گفتم. مثلاً همان نظارت استصوابی. خیلی از نماینده‌ها در مذاکرات خصوصی وقتی می‌نشینیم و با هم صحبت می‌کنیم همین حرف‌های ما را تأیید می‌کنند و می‌گویند درست است و حتی با ادامه حصر مخالف هستند و می‌گویند کار درستی نیست و باید تمام شود. ولی می‌گویند ما نمی‌توانیم اینها را علنی بگوییم. وقتی می‌گوییم چرا؟ می‌گویند نظارت استصوابی و رد صلاحیت هست که وقتی کسی کوچکترین انتقادی از نظام می‌کند سریع می‌گویند التزام عملی ندارد و ردش می‌کنند. خب این باید اصلاح شود و نماینده باید آزاد باشد. این از آسیب‌هایی است که دست و پال نماینده را بسته است. ضمن اینکه زمینه‌ای است برای تملق و چاپلوسی. یعنی برخی اساس می‌کنند که اگر زیاد ابراز ارادت نکنند رد صلاحیت می‌شوند. همین است که می‌بینیم تملق زیاد است. اگر مجلس آزاد باشد می‌تواند خیلی جاها وارد شود و محکم اقدام کند. همین الان هم اگر این آزادی باشد این اتفاق می‌افتد چون اکثر نمایندگان مسائل را درک می‌کنند و فهم نزدیک به هم دارند ولی بعضی جرات بیان ندارند. این جرات نماینده را گرفتن خیلی بد است. شورای نگهبان باید صرفاً کسانی را که فساد روشن مالی یا اخلاقی دارند رد کند نه کسی که انتقاد دارد. اگر این گونه افراد به مجلس بیایند اتفاقاً مثبت است چون اینها افراد آزاده و حر هستند و برای تملق کار نمی‌کنند و به مصالح مردم و کشور بیشتر توجه دارند. ولی درست بر عکس اتفاق می‌افتد و این گونه افراد رد می‌شوند اما نقطه مقابل آنها نه. بعد هم وارد مجلس می‌شوند و گاهی شیرین کاری می‌کنند که هزینه‌اش برای مجلس و نظام می‌ماند.

■ چه شبرین کاری؟

مثل همین تخلفاتی که پیش آمد. البته نوع برخورد با آن هم مهم است که قبل از اثبات، آن را اعلام و حتی بازداشت می‌کنند، در حالی که این موارد ابتدا باید بیاید به هیأت نظارت بر رفتار نمایندگان و اگر هیأت کار آنها را خارج از حیطه وظایف نمایندگی دانست قابل رسیدگی در قوه قضائیه است. با این کارها مجلس تضعیف می‌شود.

■ در مقایسه با مجالس ابتدای انقلاب مجالس امروز ما در تصمیم‌گیری‌های مهم کشور در کجای کار قرار دارند و دارای چه جایگاهی هستند؟ الان آن نقش آفرینی و شأنیت سال‌های اول انقلاب را مجلس دارد؟

نه، به‌شکل واضحی ندارد و جایگاه آن تضعیف شده است، به‌خاطر مسائلی که گفتم و علاوه بر آن، الان مسائل کلان کشور را شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا تصمیم‌گیری می‌شود در حالی که اکثر اینها باید در مجلس تصمیم‌گیری شود. آن شورا ممکن است برای چند ماه ضرورت داشته اما من فکر می‌کنم دیگر این ضرورت وجود ندارد چون ما تا حدودی به شرایط عادی برگشته‌ایم ضمن اینکه آنجا گاهی وارد مسائلی می‌شوند که فوری و حیاتی نیست و می‌شود خود مجلس درباره آن تصمیم‌گیری. لذا طبیعاً این کار هم باعث کم‌رنگ شدن نقش مجلس شده است.

■ شما شخصاً راجع به این مسائل راینزی نداشتید؟ در مورد حصر شما حتی به‌صورت شخصی با رهبری گفت‌وگو داشتید. آیا در این موارد با ایشان یا شخصیت‌های دیگر مانند رئیس مجمع گفت‌وگویی داشتید؟

چرا، مناظرات مکتوبی با آقای مصباحی



علی مطهری در گفت و گوبا «ایران» تشریح کرد

کارآمدی نهادهای انتخابی کجا و چگونه تحلیل می رود

- تفسیر قانون اساسی به نهاد فراقوه ای واگذار شود که ترکیب آن صرفاً انتصابی نباشد
- مردم می‌گویند ما در برابر فشارهای خارجی مقاومت می‌کنیم اما تا کی؟

می‌کنید. در این سه دوره مجموع مصوبات مجلس در مقام ابفای وظیفه قانونگذاری را چقدر در راستای حل مشکلات مملکت و نیازهای حقوقی کشور می‌دانید؟

البته مجلس به اولویت‌ها توجه دارد که آنچه ضروری‌تر است همان‌ها را بررسی کند. معمولاً اولویت‌ها منظور می‌شود و مجلس در یک فضای انتزاعی حرکت نمی‌کند چون نمایندگان با متن جامعه ارتباط مستقیم دارند و ضرورت‌ها را درک می‌کنند. الان لایحه مالیات بر ارزش افزوده مطرح است که نیاز ضروری جامعه است. قبل از آن موضوع پسماندها مطرح بود و از این قبیل.

■ آقای امیری، معاون پارلمانی دولت چندی قبل، از معطل ماندن لوابح اولویت‌دار دولت در مجلس گلایه کرده بود. نمونه‌اش بحث نظام جامع انتخابات است که دولت این را داده اما نمایندگان وقت خود را صرف طرحی برای انتخابات کردند که در نهایت هم رد شد. فکر نمی‌کنید یکی از آسیب‌ها همین ارانه بیش از حد طرح‌ها به جای لایحه در مجلس باشد؟

دولت هم لوابح را بموقع نمی‌دهد. مجلس در این موارد همیشه منتظر لوابح دولت است و اینکه برای رد صلاحیت یا کاندیدا باید عدم صلاحیت او برای شورا احراز شود نه اینکه به‌خاطر عدم احراز صلاحیت کاندیدا او را رد کنند چون عدم احراز صلاحیت به این معنی است که یا شورا مدارک کافی در اختیار نداشته یا به‌خاطر کثرت کاندیدا فرصت نکرده بررسی کند. در هردو صورت کاندیدا گناهی نداشته و تصمیم را باید به عهده مردم گذاشت نه اینکه او را رد صلاحیت کنند. تاکنون از این طریق ظلم زیادی به افراد شده است.

■ شما از افت کیفیت مجلس صحبت می‌کنید. در این سه دوره مجموع مصوبات مجلس در مقام ابفای وظیفه قانونگذاری را چقدر در راستای حل مشکلات مملکت و نیازهای حقوقی کشور می‌دانید؟

البته مجلس به اولویت‌ها توجه دارد که آنچه ضروری‌تر است همان‌ها را بررسی کند. معمولاً اولویت‌ها منظور می‌شود و مجلس در یک فضای انتزاعی حرکت نمی‌کند چون نمایندگان با متن جامعه ارتباط مستقیم دارند و ضرورت‌ها را درک می‌کنند. الان لایحه مالیات بر ارزش افزوده مطرح است که نیاز ضروری جامعه است. قبل از آن موضوع پسماندها مطرح بود و از این قبیل.

■ شما اول مجلس به‌رغم اینکه اصلاح‌طلب نیستید اعلام کردید به‌لحاظ اخلاقی در فراکسیون امید خواهید ماند. بعد از اینکه آن اتفاقات در انتخابات اخیر هیأت رئیسه مجلس افتاد به‌نظر می‌رسید شما قدری از ماندن در فراکسیون پشیمان هستید. اینچنین بود؟

نه، پشیمان نبودم. من از ابتدا گفتم چون اسمم در لیست امید بوده، خروجم از این فراکسیون اخلاقی نیست. همان ابتدا خیلی‌ها گفتند شما یا فراکسیون مستقلان را تشکیل بده. یعنی از من می‌خواستند برای این کار پیشقدم شوم. من هم به مستقل بودن نزدیک‌تر هستم تا اصلاح‌طلب بودن و می‌شد این کار را کرد، اما من احساس کردم کار درستی نیست هر چند در لیست امید هم خودشان اسم من را گذاشته بودند و خودم اصراری نداشتم و البته تشکر کردم. بهتر بود دیگران هم خارج نمی‌شدند و اتحاد ما حفظ می‌شد ولی این هم که اگر کسی خارج شد او را منافق و خائن بنامیم کار درستی نیست چون نماینده باید در انتخاب فراکسیون آزاد باشد. به‌هرحال من از ماندن در فراکسیون امید پشیمان نیستم چون کار درستی کردم.

ادامه در صفحه ۱۳

کنند. عمدتاً یک نهاد خاص پرونده‌های افراد را آماده می‌کند و به شورای نگهبان می‌دهد. این کار درستی نیست. اولاً ورود امام خمینی (ره) منع کرده است. ثانیاً ممکن است که اعمال نظرهایی بشود چون گرایش‌های سیاسی خاص و روشنی دارند و امکان دارد به نفع آن گرایش مهندسی شود و این خطرناک است. شورای نگهبان اگر می‌خواهد تحقیق کند می‌تواند منابع مختلفی داشته باشد.

■ چه منابعی؟

مثلاً برخی منابع مردمی. آن هم باید موثق و مستند باشد. تا این حدود را قبول داریم اما اینکه منابع منحصر به مراجعی با گرایش خاص سیاسی باشد قبول نداریم. یعنی اگر نظارت استصوابی را به‌شکل درستی انجام بدهند می‌توان پذیرفت. شکل درست آن این است که به پرونده‌سازی‌ها توجه نکنند و منابع اطلاعاتی‌شان محدود به یک جا نباشد. دیگر اینکه انتقاد را مساوی مخالفت با نظام و رد صلاحیت ندانند و فقط کسانی که فساد مهم مالی یا اخلاقی یا جرمی مثل جاسوسی دارند رد صلاحیت شوند. و سوم اینکه برای رد صلاحیت یک کاندیدا باید عدم صلاحیت او برای شورا احراز شود نه اینکه به‌خاطر عدم احراز صلاحیت کاندیدا او را رد کنند چون عدم احراز صلاحیت به این معنی است که یا شورا مدارک کافی در اختیار نداشته یا به‌خاطر کثرت کاندیدا فرصت نکرده بررسی کند. در هردو صورت کاندیدا گناهی نداشته و تصمیم را باید به عهده مردم گذاشت نه اینکه او را رد صلاحیت کنند. تاکنون از این طریق ظلم زیادی به افراد شده است.

■ شما از افت کیفیت مجلس صحبت